



خبرنامه گومه‌له

شماره هفت صفحه یک ۱۶ آبانماه / ۱۳۵۸

مذاکره هیأت «حسن نیت» رژیم در زیرمباران وحشیانه سروشت!؟

سنندج، نقده، مریوان، پاوه، سقز، مهاباد، بانه و اکنون فاجعه سروشت!

سروشت در اثر بمباران به ویرانه‌ای تبدیل شده

باسگاه «زبط» نیز تسلیم شد.

راندازی «پیرا شکر» مندم گشت

ریزباری گومه‌له

از پیشمرگان کردستان خوردند / دولت جمهوری اسلامی
خواست که چهره «بنگه» طلب خود را بپوشاند. این بود که با
صحت از مد آکره و سرستان هییتی که معلوم نیست با چه کسی
طرف گفتگو بود است / بدین رعایت کردن هیچ‌کدام از شرایط
منتهای پیشنهاد شده از طرف شیخ عزالدین حسینی (که
مورد قبول سازمان ما هم بود) / خواستند موجب نفرت بین
صافوف مردم و پیشمرگان شده و شکستهای خود را جبران کنند.
اما در همین حال پناشان دادن چهره «کره» و فاشیستی خود
و با بمباران بانه و سپس سروشت اینبار هم تیرشان به سنگ -
خورد. آنها پیشمرگان شریه‌های سخت دیگری خوردند
ولی برای جبران شکست / ناجوانانرانه به قتل‌عام زن و کودکان
و بیرو جوان مردم سروشت دست زدند و شهر سروشت را به
ازبانه به ویرانه‌ای تبدیل نمودند.
کمیته مرکزی حزب دموکرات در این هنگام بجای اینکه پیشرازی

حکومت جمهوری اسلامی درست هنگامیکه دم از حل مسالمت
آمیز مسئله کردستان میزند و درست هنگامیکه سفارت آمریکا را
اشغال مینماید بوحشیانه‌ترین شکل ممکن / به کشتار مردم
مردم دست دست میزند.
سفارت آمریکا را اشغال میکنند در همان حال فائقه‌های جمهوری
اسلامی در تمام ساعات شب و روز یعنی در ساعات بعد از نصف
شب و ساعات کردستان را بمباران میکنند.
ران پروتولین چون جمهوری اسلامی جزئیات هر حرکت
دانشجویان براد سفارت آمریکا مطلع میکند / اما بعد از بمباران
اندازی شوایماها در سروشت کردستان را کشتی نمی‌شنود.
نمونه این کشتار و این قتل‌عام وسیع مردم سروشت را فقط
ستوان در بمباران های ارتش اشغالگر آمریکا در مورد شهرهای
ریتمام دید.
بدنبال شکستهای مفتضحانه‌ای که نیروهای ارتش و پاسداران

هر زمان دیگری در فکر وحدت عطف با سایر نیروهای سیاسی موجود در کردستان باشد تا هیئت حاکمه از اختلافات درون جنبش سوا استفاده نکنند بیشتر روی این بود که با استفاده از موقعیت و شرایط شهرت‌های بی‌پای میزند اگر بروند و بجای اینکه هدف دولت را از منظر برای مردم روشن سازند و ماهیت رژیم و تفاوت‌های آنرا افشانند / به "حسن نیت" رژیم ابراهیم دسته و به شعار "ارتش برادرماست" روی آورد.

اماد و ج. اندرانی حزب یحیی آوای گوشش برای قبول شدن خود بدست تفکات نیروی سیاسی و ثانیاً بازرگانی تعیین نیست. دولت و مردم موضوعی قابل در مقابل آن نتایج غلط و ضرر خود را در واقع سردشت بهار آورد و خود حزب نیز به هدف مورد نظرش نرسید.

شب ۵۸/۸/۱۱ پیشمرگهائی کومه که برای انجام عملیات به شهر آمده بودند / برای حمله به شهر با توپ سردشت - که جاشا و یاسد اران در آن مستقر بوده و حزب د مکران میخواست با توپ این کار دست بزند - به مسئولین حزب پیشنهاد همکاری دادند اما آنها به پیروی از همان سیاستی که به آن اشاره کردیم از همکاری امتناع ورزیدند. پیشمرگهائی که بعد از عملیات وزن چند تریه به یادگان شهر راترت کردند صبح روز چهارشنبه رسید که حزب د مکران شهر باقی را تصرف کرده سپس این خبر به آن اضافه گشت که جنگ خونینی بین ارتش و یاسد اران از یک طرف و مردم شهر و پیشمرگهائی از طرف دیگر درگیر شده.

هواد اران سازمان ما و حتی مردم شهر از پیشمرگهائی که به آنه درخواست کردند برای دفاع از مردم / وارد شهر شوند. با این دلیل یحیی برای کمک به مردم در مقابل ارتش و یاسد اران برعهده گشت از پیشمرگان مانیر وارد شهر شدند (هرچند که دست زدند به یک طرف جنبه‌های با یادگان را از داخل شهر اشتباه می‌انستند. زیرا این نیروی بجای پیروزی سریع و کامل بر دشمن / سبب میشد نیروهای یاسد ارو ارتش - که در جنگ فرقی بین پیشمرگهائی و مردم عادی قائل نمی‌شوند - به قتل عام مردم دست بزنند) هنگام ورود / پیشمرگان ما با شهری که یکبارچه آتش شد مورد رو برو گشتند. یادگان از طرف بنا توپ و خمپاره و انواع سلاحهای مرگبار و ویرانگر / خانه‌های

صکونی و محلات بورفت، آمد شهر را مورد حمله و حشیا نه قرار داده بود. ترس نیروهای داخل یادگان و نقاط استراتژیک اطراف شهر از حمله پیشمرگهائی برای وحشیگری آنها افزوده بود. این ترس بعدی رسید میورد که هر کدام از ارتشیان یاسد اران در یگرو را متهم میکرد و هرگز در فکر تسلیم خود نبود. پاسگاه ربط نزد یک شهر سردشت خود را تسلیم پیشمرگان سازمان ز حشکشان و حزب د مکران نمود. در این حال یادگان پیشنهاد آتش بس کردند.

حزب د مکران نمی‌بایست ابتدا آگاری کند که در شهر با یادگان وارد جنگ شود اما در اینحال که جنگ به صورت شروع شده و ارتش و یاسد اران / مردم را قتل عام میکردند و در ضمن روحیه خود را نیز ساخته بودند / قبول آتش بس از طرف پیشمرگهائی اشتباه بود. و حزب د مکران نیز میبایست نه پیشنهاد آتش بس را بدو نه آتش بس را قبول نماید. اما مسئولین حزب در اینجا نیز دین اشتباه خود را مرتکب شدند و آتش بس را قبول کردند. ارتش و یاسد اران با استفاده از این فرصت / از خارج یادگان کمک دریافت کرده / روحیهشان نیز تقویت شد و نقشه حمله و حشیا نه و فاشیستی خود را به مناطق صکونی و ویتها و چاه‌ها و کودکان شیرخوار مردم بید قاع تنظیم نمودند. ماه نیروهای خود دستورادیم که به پیشنهاد آتش بس رز یلان و هیله‌گرانه دشمن توجهی ننموده و هر روز دشمن آتش کنند. در بردند نقطه که پیشمرگهائی ما دست بگذارند مسئولین نیز بی مانع شده و حتی تهدید کردند که بروی ما آتش می‌کشند!

در این شرایط ما دیدیم بجای اینکه دشمن مشترک را بگیریم ممکنست در ام جنگ برادرگشی بیفتیم که به هیچ وجه و ایضا آری نیستیم تصمیم گرفتیم که قبلاً ۳ ژوئن نزد دشمن صرف نظر نماییم.

از صبح روز ۵۸/۸/۱۲ تا حدود ساعت ۴ بعد از ظهر نیروهای ارتش و یاسد اران / شهر را آتش و ویرانگر مردم کش خود گرفته و با توپ و خمپاره دهها نفر از مردم را به قتل رسانده و خانه‌های بسیاری را بر سر ساکنین آن خراب کردند. جالب توجه اینست که با اینکه در این حال پیشمرگهائی به هیچ وجه بطرف یادگان تیراندازی نمی‌کردند اما چون سنگرهای ارتش / مستقر